

۱۴۳۶۹۹۲



یک جفت چشم آبی

توماس هاردی

صادق زمانی

میراثنامه	هاردی، توماس، ۱۸۴۰ - ۱۹۲۰ م.
عنوان و نام پدیدآور	Hardy, Thomas
مشخصات نشر	یک جفت چشم آبی/ توماس هاردی؛ برگردان صادق زمانی.
مشخصات ظاهری	تهران: هنر پارینه، ۱۳۹۵.
شابک	۶۰۶ ص.
ویرایش	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۸۱-۶۸-۱
نوع سند	فیبیا
دانش	عنوان اصلی: A pair of blue eyes.
عنوان دیگر	چشم آبی.
موضوع	داستان‌های انگلیسی -- قرن ۱۹ م.
موضوع	English fiction -- 19th century
شناسه افزوده	زمانی، صادق، ۱۳۶۴ - مترجم
رده بندی کتبی	۱۳۹۵ چ ۲۱۵۵/۳۷۷
رده بندی دیویدی	۸۲۳
شماره کتابشناسی	۳۸۵۶۱
ملی	

یک جفت چشم آبی

نویسنده: توماس هاردی

ناشر: هنر پارینه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

قیمت: ۳۶۹۰۰ تومان

ناظر فنی چاپ: طاهره برومند جاوید

Instagram: mahabepub

تهران، خیابان جمهوری، خیابان فخر رازی، کوچه مهر، پلاک ۳

تلفن: ۰۹۱۲۴۴۹۳۵۴۸ - ۶۶۴۱۱۰۵

مترجم: صادق زمانی

ناشر همکار: گنج مهر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۸۱-۶۸-۱

آنچه آکسفورد می‌گوید

(نقل به مضمون)

در معرفی نویسنده‌ی «یک جفت چشم آبی» چنین آمده است:

تامس هاردی در دوم ژوئن ۱۸۴۰ در بک‌هامپتن^۱ در درستی به دنیا آمد؛ پدرش بنای کامیاب و ثروتمندی بود، و او هم پیش از آنکه یک مهندس معمار شود در درستی به شکلی محلی آموزش دید. پس از شانزده سال بودن در آن حرفه و چاپ اولین کتابش با نام «چاره‌های بیچاره‌ی»^۲ در ۱۸۷۱، بر آن شد تا ادبیات را پیشه‌ی خود قرار دهد؛ با این حال، پیش از آن، ترجمه‌ی او در قلمت یک معمار منجر به ملاقاتش با «اما گیفورد»^۳ در «سنت جولیت»^۴ در کورنوال^۵ شده بود، که در سال ۱۸۷۴ اولین همسر او شد. در دهه‌ی ۱۸۶۰ تامس هاردی مقایسه‌ی قابل توجهی اشعار منتشر نشده نوشته بود، اما در طول دو دهه‌ی بعدی تقریباً تمامی آثارش را برای خلاقانه‌ی او در راه نوشتن داستان‌های کوتاه و رمان خرج شد. «یهودای ناشناخته»^۶ آخرین رمان به روی کاغذ آمده‌ی او بود که در سال ۱۸۹۵ منتشر شد، و پایان بخش ریشه‌ی داستان‌ها شامل «سکوت و آرامش روستا»^۷ [یا «به دور از این هیاهوی دیوانه‌کننده»] (۱۸۷۴)، «زنگشت بومی» (۱۸۷۸)،

^۱ Bockhampton

^۲ Desperate Remedies

^۳ Emma Gifford

^۴ St Juliot

^۵ Cornwall

^۶ Jude the Obscure

^۷ Far From the Madding Crowd

«دو نفر در یک برج» (۱۸۸۲)، «شهردار کاستربریج»^۸ (۱۸۸۶) و «تس از خانواده‌ی د اوربرویل»^۹ (۱۸۹۱) بود.

هاردی مدعی بود که در سال‌های پیری تنها قادر بود در شعر عقاید و افکارش را به درستی بیان کند، و بیش از نهمصد سروده در مجموعه اشعار او (که همگی تقریباً پس از ۱۸۹۸ منتشر شدند) دارای اقتدار راسخ و شخصیتی بزرگ هستند.

در سال ۱۹۱۰ هاردی جایزه‌ی «مقام شایستگی»^{۱۰} را دریافت کرد؛ در سال ۱۹۱۲ اما از دنیا رفت و هاردی دو سال بعد با فلورنس داگ‌دیل^{۱۱} ازدواج کرد. تامس هاردی در سال ۱۹۲۸ پشم از بهان فروبست؛ آثاری که از خود به‌جا گذاشت - رمان‌ها، اشعار و نمایشنامه‌ی حماسی «سلسله‌ی پادشاهان»^{۱۲} - یکی از بزرگترین دستاوردها در ادبیات تخیلی انگلستان را شکل می‌دهد.

^۸ The Mayor of Casterbridge

^۹ Tess of the d'Urbervilles

^{۱۰} The Order of Merit: امتیازی ویژه که در بریتانیا به کسانی اعطا می‌شود که در کارهای نظامی یا غیرنظامی کاری غیرمعمولی

انجام داده باشند. این جایزه تا کنون تنها به بیست و چهار نفر اعطا شده است.

^{۱۱} Florence Dugdale

^{۱۲} The Dynasts

دیاچه

بخش‌های پیش رو در روزگاری به رشته‌ی تحریر درآمد که اشتیاق مفرط برای بازگشت کلیسا، بدون توجه به عواقب هولناک آن، به تازگی به دورافتاده‌ترین نقاط باختری انگلستان رسیده بود، مکانی که سیمای بکر و غم‌انگیز ساحل دریا برای مدت مدیدی در ممانعت کلیسا و کمالی باخامی هنرگوتیک ساختمان‌های مذهبی [کلیساهای کانوالت] قرار داشت، که در تمام منطقه پراکنده بودند و موجب ناسازگاری غیر معمولی با فعالیت‌های ساختمانی به تازگی انجام شده در آنجا دیده می‌شد. به نظر نمی‌رسید احیای لاشه‌ی رسی قاید قرون وسطایی نسبت به نوسازی صخره‌های همجوار آنها، عمل عجیب و غریب‌تری باشد.

بنابراین، سرگذشت خیالی قلب‌های سه انسان که احساسات و عواطف‌شان بی‌ربط به این پیشامدهای مادی نبود، بر بستری از یادداشتهای پیش پا افتاده‌ی احیای کلیسا رخ داد که چارچوبی مناسب برای نمایش این سرگذشت است.

کرانه‌ی دریا و حوالی کسل بُتِرِل^{۱۳} در حال معروف شدن می‌باشد، و به آسانی شناخته خواهد شد. می‌توان افزود که، این مکان در زمهری یکی از مناسب‌ترین گوشه‌وکنارهای دوردست باختری می‌باشد که من در آنجا مبادرت به برپایی ناتم خود برای درام‌هایی ناتمام از یک زندگی روستایی و پراحساس نمودم؛ این مکان در جاورت، یا در فاصله‌ای نه چندان دور، از مرز ناشناخته‌ی امپراتوری ویکس قرار دارد که در طرف دیگر، مانند سرحدات غربی آمریکای مدرن، مرقی و متزلزل بود.

با این حال، این موضوع اهمیت کمی دارد. این مکان، سرزمین راز و رویا، (دست‌کم برای یک نفر) بسیار حائز اهمیت است. پرنده‌گان روح‌وش، دریای ابری، باد کف‌آلود،

¹³ Boterel Castle

تک‌گویی همیشگی وی پایان آب، شکوفه‌ی ارغوانی تیره‌رنگی که به نظر می‌رسد بازدم سراسیمه‌ی‌های تندرو به ساحل باشد، همگی‌شان مناسب چشم‌انداز فضایی از گرگ و میش شبانه‌اند.

یکی از صخره‌های ویژه در کرانه‌ی دریا در این روایت به تصویر کشیده می‌شود. و بنا به دلایلی فراموش شده یا دیگر موارد، این صخره در داستان به صورت بی‌نام توصیف شد. برای درستی این مطلب باید اظهار شود که صخره‌ی قابل توجهی که شباهت بسیاری با صخره‌ی وصف شده دارد، نامی را یدک می‌کشد که هیچ رخدادی سبب سازش در متن نیست.

مارس ۱۸۹۵

پیوست - اولین نسخه از این داستان، در سه دفتر، در آغازین روزهای تابستان ۱۸۷۳ منتشر شد. در عمل، صحنه‌ای عاشقانه از ایده‌ای را به نمایش می‌گذاشت که در کتاب بعدی پرورش یافت. در نگاه مستحکوم زنده‌ی حاضر، عدم بلوغ از نقطه نظر زندگی و استادی آن، البته آشکار خواهد بود. به جهت اصلاح نمودن این موارد توسط داوری سال‌های بعد، حتی اگر تصحیح ممکن بود، باید، چرا که تمام این تلاش‌ها، ممکن بود به ناپدید شدن تمامی طراوت و خودبخود رخ داده‌های موجود، منجر شود. افزودن کلامی بر نقشه‌ی داستان عاشقانه در پاسخ به پرسش‌ها، بوده و بی‌اهمیت است. عمارتی که «سرای اندیل استو»^{۱۴} نامیده می‌شود به واقع وجود دارد، هرچند این بنا در نقطه‌ای در چندین مایلی جنوب محل اصلی، در نظر گرفته شد. پسین، کلیسای داستان نیز بسیار بیشتر از آنچه که در اصل می‌باشد، رو به اقیانوس تصویر شد.

تی. ه.

ژوئن ۱۹۱۲